

فهرست نشانه های کوتاه

- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.....ق.آ.د.د.ع.ا.ک
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۵۲.....ق.آ.د.ک
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.....ق.م.ا
- قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴.....ق.ح.و.ب.م.آ
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷.....ق.ناجا

چکیده

بررسی وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری، به عنوان بازوی اجرایی دستگاه قضایی از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار می باشد و همواره مورد توجه نویسندگان و محققان قرار داشته است. این مهم در قانون آ.د.ع.ا.ک با اختصاص ۱۱ ماده در فصل اول از باب اول این قانون، بطور مبسوط و البته با فشردگی خاص قوانین آورده شده است و از این رو ابهامات و سؤالات فراوانی همواره در این زمینه مطرح بوده است.

از سویی دیگر تفاوت‌هایی که در نحوه انجام وظایف قانونی ضابطین، به رغم وجود ضوابط کلی و یکسان، در شرایط، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وجود دارد، ما را بر آن داشت تا به بررسی این شرایط و ضوابط و نیز ابهامات و چگونگی انجام این وظایف، در یک محدوده جغرافیایی خاص و تابع شرایط و مقررات بین‌المللی، یعنی «دریا» بپردازیم. از این رو با توجه به اینکه «خلیج فارس» مهمترین منطقه جغرافیایی، به عنوان یک «دریا»، درخاور میانه است و تمامی سواحل شمالی آن تحت حاکمیت قوانین داخلی است، بهترین مکان جهت بررسی تفاوت‌های موجود می باشد.

هم چنین امور دریایی به لحاظ قرار گرفتن در فراسوی مرزهای ملی و ارتباط با جامعه بین‌الملل، تا حدود زیادی تابع قوانین و مقررات بین‌المللی بوده و از این رو شناخت بخشی از حقوق بین‌الملل، که در زمینه حقوق دریاها وضع شده و با نحوه انجام تکالیف ضابطین، ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم دارد، ضرورت داشته و در رفع برخی ابهامات و معرفی و شناخت ای مسائل می تواند راهگشا باشد.

این تحقیق در سه فصل، ۱. تحول تاریخی، تعاریف و مبانی قانونی ۲. ضابطین خلیج فارس و تکالیف قانونی آنان ۳. تأثیرات متقابل حقوق داخلی و بین‌المللی در محدوده تکالیف ضابطین تدوین و نگارش گردیده است.

مستفاد از آنچه بررسی گردید، لزوم توجه به آموزش ضابطین، رفع ابهامات قانونی، تجهیز امکانات ویژه دریایی و از همه مهمتر تأسیس نهادی تخصصی در این ارتباط ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: وظایف، اختیارات، ضابطین دادگستری، خلیج فارس، مناطق دریایی،

جرایم دریایی،

مقدمه

۱. بیان موضوع:

ضابطین دادگستری برابر ماده ۱۵ آ.د.د.ع.ا.ک تعریف ، احصاء و وظایف و اختیارات آنان نیز برشمرده شده است . اما آنچه در این پایان نامه مورد بحث می باشد بررسی وظایف و اختیارات ضابطین در محدوده آبها و نوار ساحلی خلیج فارس است.

جدای از اهمیت فوق العاده استراتژیک (نظامی، سیاسی و اقتصادی) خلیج فارس ، در نگاه ویژه حقوقی و از منظر جزائی، جرائمی را در این محدوده شاهدیم که صرفاً مختص دریا و یا وقوع آن از طریق دریا امکان پذیر بوده و طیف گسترده ای از جرائم متعدد و مهم را شامل می گردد ، جرایمی همچون : سرقت دریایی و صید غیر مجاز آبیان از نوع اول و قاچاق دریایی و آلودگی های زیست محیطی در دریا و ... از نوع دوم.

در عین حال ضابطین خاص دریایی ، همچون : مأمورین گارد انتظامات بنادر و کشتیرانی ، یگان حفاظت شیلات و منابع آبیان و...، در چارچوب وظایف و محدوده اختیارات خود به کشف و تعقیب جرایم مربوطه می پردازند. بدین سبب حضور این ضابطین خاص در کنار ضابطین عام با رسته ها و مأموریت های ویژه و خاص ، و کثرت وظایف و اختیارات ایشان ، و عدم آگاهی و بعضاً سردرگمی و نا آشنایی این ضابطین با وظایف و اختیارات قضایی و تخصصی آنان ، موجب شد تا به منظور تبیین و تشریح وظایف و اختیارات مأموران مذکور و نیز بررسی و رفع برخی ابهامات موجود به تفکیک ، تجزیه و تحلیل مطالب مربوطه پرداخته شود.

۲. سؤالات اساسی

۱. ضابطین حاضر در خلیج فارس چه کسانی هستند؟

۲. جرایم دریایی واقع در خلیج فارس چه جرایمی است و انواع آن کدامند؟

۳. وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری و مسایل مربوط به نحوه انجام وظیفه ایشان چیست؟

۴. قوانین و مقرراتی خاصی که در این محدوده صلاح اعمال دارند شامل چه قوانین و مقرراتی اند؟

۵. حقوق بین الملل و حقوق داخلی در محدوده تکالیف ضابطین چه تأثیراتی بر یکدیگر و بر نحوه

انجام وظایف ضابطین دارند؟

۳. ضرورت

۱. اهمیت فوق العاده و استراتژیک خلیج فارس و لزوم توجه به آن از تمامی ابعاد علمی و فنی

به ویژه از بعد حقوقی .

۲. وجود تفاوتها و محدودیتهای موجود.

۳. لزوم آگاهی ضابطین دادگستری در دریا از شرح وظایف و محدوده اختیارات خود و توجه

ویژه به قوانین بین المللی در این زمینه.

۴. ضرورت ارئه تعلیمات تخصصی.

۵. تخصصی شدن امور و به طبع تفکیک و تجزیه و تحلیل مقررات مربوط به دریادر زمینه

وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری .

۴. فرضیه ها

۱. ضابطین عام و خاص در راستای کشف و تعقیب جرایم در این محدوده حضور دارند.

۲. وقوع جرایم متعددی که صرفاً در دریا واقع می گردند، در محدوده جغرافیایی خلیج فارس

متصور است.

۳. تعدد ضابطین ، وجود قوانین مختلف و گستره وسیع وظایف و اختیارات ضابطین

دادگستری علی رغم اشتراک در مأموریتهای کلی سبب تداخل و سردرگمی آنان در انجام وظایف و

اختیارات محوله گردیده است.

۴. دریا به عنوان محدوده ای بین المللی ، بجز قوانین داخلی ، تابع و تأثیر پذیر از برخی قوانین و مقررات بین المللی نیز می باشد.

۵. حقوق داخلی و حقوق بین الملل در محدوده تکالیف ضابطین بر یکدیگر و بر نحوه انجام وظایف ضابطین تأثیرات متقابل دارند.

۵. اهداف

هدف اصلی این تحقیق تبیین و تشریح وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری در محدوده جغرافیایی خلیج فارس واقع در نوار ساحلی جنوب ایران می باشد و اهداف فرعی تحقیق نیز : اشراف بر دامنه شمول جرایم واقع در محدوده مذکور ، معرفی و تفکیک وظایف و اختیارات ضابطین از یکدیگر ، بررسی مقررات بین المللی موجود در ارتباط با موضوعات مربوطه از منظر تأثیرات متقابل و هماهنگی یا عدم هماهنگی با مقررات داخلی و نیز کنترل و مهار و کاهش جرایم دریایی و تخلفات و جرایم ضابطین از طریق ارائه اطلاعات مورد نیاز می باشد.

۶. روش انجام تحقیق

روش انجام این تحقیق عموماً به روش کتابخانه ای با بهره گیری از منابع نوشتاری و دیداری موجود با امکان گسترش در بعد میدانی و مصاحبه می باشد.

۷. ساختار تحقیق

این تحقیق در سه فصل به شرح ذیل و نتیجه گیری و پیشنهادات و راهکارهای لازم ارائه گردیده است.

فصل اول: تحول تاریخی و مبانی قانونی .

فصل دوم : ضابطین دادگستری در خلیج فارس و وظایف و اختیارات آنان.

فصل سوم: تأثیرات متقابل حقوق داخلی و بین الملل در محدوده تکالیف ضابطین.

فصل اول

تحول تاریخی، تعاریف و

مبانی قانونی

بخش اول - تحول تاریخی حضور ضابطین در خلیج فارس

مبحث اول - موقعیت و نام خلیج فارس

گفتار اول - موقعیت خلیج فارس

خلیج فارس ، پیشرفتگی آب در سرزمینی است که تا محور ۱۰۰۰ کیلو متر (از اروند رود تا تنگه هرمز) ادامه دارد . مدخل آن در تنگه هرمز ، با ۸۵ کیلو متر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس ، با حدود ۳۲۰ کیلو متر بوده و بیشترین عرض آن شامل ۳۲۵ کیلو متر است. مساحت این خلیج ۲۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است که در پاره ای نقاط به ۹۰ تا ۱۰۰ متر نیز می رسد.^۱ بعد از خلیج مکزیک و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می رود . خلیج فارس و سواحل آن سرشار از معادن نفت و گاز می باشند و مسیر انتقال نفت کشورهای ایران ، عراق ، عربستان سعودی ، کویت و امارات متحده عربی است و به همین سبب منطقه ای مهم و راهبردی در سطح بین المللی به شمار می آید. جزایر و بنادر مهمی در حاشیه خلیج فارس قرار دارد که از آنها می توان بندر عباس ، بوشهر ، بندر لنگه و بندر ماهشهر در ایران و بندر شارجه ، ابو ظبی و دوبی در امارات و همچنین جزایر قشم ، کیش ، بحرین ، خارک ، بوموسی ، تنب کوچک ، تنب بزرگ و لاوان را نام برد.

۱. تکمیل همایون ، ناصر . «خلیج فارس» . تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ پنجم ۱۳۸۶ ، ص ۸.

این مکان مقدس که در نقشه جغرافیا در جنوب و پایین ایران زمین واقع شده بسان پایه و ریشه ای است برای این خاک عزیز. هرچند بسیاری، از تاریخ کهن آن اطلاع کمی دارند اما سرگذشت این پهنه نیلگون آبی به درازای تاریخ است. سر آرنولد ویلسون در کتاب «خلیج فارس» در این باره می نویسد:

«هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس توجه علمای زمین شناسی را و باستان شناسان و مورخین و جغرافیا نویسان و سیاست مداران و جنگجویان را مشترکاً به خود معطوف ساخته باشد. سرگذشت حوادث خلیج به قدیمیترین ازمنه تاریخی می رسد و ذکر آن در تاریخ مکتوب بشری مقدم بر تمام دریاهاى دیگر آمده است. موقع مرکزی آن در یکی از مهمترین جاده های میان شرق و غرب از ابتدای شروع تاریخ اهمیت خاصی بدان داده است. درحینی که هنوز آبهای مدیترانه به حرکت کشتیها شیار نشده بود حوادث بزرگی در صحنه خلیج فارس اتفاق می افتاد که در سیر تکامل نژاد بشر اهمیت فوق العاده داشت.»^۱

شایسته است پیش از پرداختن به تحول تاریخی مورد اشاره، ابتدا در خصوص نام و نشان این پهنه نیلگون که دشمنان همیشگی اش با ساده انگاری و توهم سعی در تغییر نام و هویتش نموده اند، توضیح مختصری ارائه شود.

گفتار دوم- نام خلیج فارس

پیش از مهاجرت آریائیان و در کهن ترین نامگذاری ها، دریای جنوبی ایران را «نارمروتو» به معنای «رود تلخ» نامیده اند، و این قدیمی ترین عنوانی است که بر آن گذارده اند. اما پس از مهاجرت آریائیان و حرکت آنها به جنوب کشور، قوم ایرانی پارس که حکمرانی خود را بر منطقه آغاز کرد نام خود را به خلیج مزبور داد و از آن زمان، خلیج فارس در جهان نام آور شد.^۲ در کتیبه ای از داریوش پادشاه هخامنشی واژه یا عبارت «درایه تیه هجاپارسه آئی تی» بر آبراه خلیج فارس نهاده شده که معنای آن «دریایی که از پارس می گذرد» است.

۱. سر آرنولد ویلسون، «خلیج فارس». ترجمه: محمد سعیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۱۴

۲. تکمیل همایون، ناصر. «خلیج فارس»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۸۶، ص ۱۱

استرابون جغرافی دان معروف یونانی که در قرن اول میلادی می زیسته به طور مکرر در آثار خود از واژه « پرسیکون کارتاس » که معنا و مفهوم آن قرابت نزدیکی با عبارت « خلیج فارس » دارد استفاده کرده او در یکی از آثار خود تصریح می کند که اعراب بین دریای سرخ و خلیج فارس روزگار می گذرانند. همچنین بطلمیوس بزرگترین جغرافی دان عالم، در قرن دوم میلادی از آبراه خلیج فارس تحت عنوان « پرسیکوس سینوس » (persicus sinus) نام برده ، که دقیقاً به معنای خلیج فارس است. بسیاری از مورخین و جغرافی دانان یونانی از جمله ، فلاویوس آریانوس و کوین توس کورسیوس از این واژه برای معرفی خلیج فارس استفاده کرده اند . به علاوه در کتابهای جغرافیایی لاتین خلیج فارس را « ماره پرسیکوم » (persicum mare) یعنی دریای پارس نیز نوشته اند.^۱

کاربرد واژه سینوس پرسیکوس و ماره پرسیکوم به معنای خلیج فارس و دریای پارس سبب شده امروزه در اکثر زبانهای زنده دنیا از واژگانی شبیه همین مفهوم برای نامگذاری خلیج فارس استفاده شود. از جمله در زبان انگلیسی: persian golf، در فرانسه: golfe persiqu، آلمانی: persicher golf، ایتالیایی: golfo persico، روسی: persidskizaliv، ژاپنی: perusha wan و ترکی: farsi korfozi، که در تمام آنها واژه « پارس » وجود دارد، متداول ترین واژه برای معرفی خلیج فارس است.^۲ حتی در زبان عربی واژه «الخلیج الفارسی» تا همین سالیان اخیر معمول ترین واژه برای خلیج فارس بوده بطوریکه در سندی تازه انتشار یافته، « جمال عبدالناصر » پان عربیست مشهور و یکی از مسببین جعل نام خلیج فارس، در نوشته ای به خط خودش از واژه «الخلیج الفارسی» استفاده نموده که این مطلب مؤید آن است که کثرت استعمال این نام حتی در میان مدعیان تغییر هویت این دریای ایرانی نیز رواج داشته و دارد .

در بین آثار مورخین و جغرافی دانان دوره اسلامی نیز بطور مکرر واژه هایی همچون «البحر الفارسی، الخلیج الفارسی، بحر فارس ، خلیج فارس » برای معرفی این آبراهه ، به چشم می خورد. استاد زنده یاد دکتر محمد جواد مشکور در مقاله ای تحت عنوان «خلیج فارس در طول تاریخ» به بیش از ۳۰ منبع عربی و اسلامی از مورخین و جغرافی دانان مشهور تاریخ اسلامی اشاره می کند که در آثار خود از خلیج فارس نام برده اند. از آن جمله می توان، ابوریحان بیرونی، مسعود ابن بطوطه ، حمدالله مستوفی ، یاقوت حموی، ناصر خسرو قبادیانی، حمزه اصفهانی، ابن بلخی و دیگرانی را نام

۱. مشکور، محمد جواد. «خلیج فارس در طول تاریخ»، روزنامه اطلاعات، مورخه ۸۳/۹/۲۵

۲. نفیسی، سعید. «خلیج فارس در متون یونانی و لاتین و تازی»، نشریه وزارت امور خارجه، شماره ۸، سال دوم، ص ۱۱

برده که اکثر آنها کتابهای خود را به زبان عربی نوشته و در آثار خود بی کم و کاست از «خلیج فارس» یاد کرده اند.

درباره نام خلیج فارس تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی هیچگونه بحث و جدلی در میان نبوده و همانطور که گفته شد در تمام منابع اروپایی و آسیایی و آمریکایی و دایره المعارف ها و نقشه های جغرافیایی این کشورها نام خلیج فارس در تمام زبانها به همین نام ذکر شده است. اصطلاح «خلیج عربی» برای نخستین بار از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلستان در خلیج فارس به نام «سر چارلز بلگریو» عنوان شده است. سر چارلز بلگریو که بیش از سی سال نماینده سیاسی و کارگزار دولت انگلیس در خلیج فارس بوده است، بعد از مراجعت به انگلستان در سال ۱۹۶۶ کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن نوشت: «عرب ها ترجیح می دهند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند.» و تقریباً پس از این بود که این نام جعلی کم کم در بین مطبوعات عربی و پس از آن در میان برخی مقاماتشان رواج پیدا کرد. دولت ایران در همان زمان به این عمل واکنش نشان داد و گمرک و پست ایران از قبول محموله هایی که به جای خلیج فارس نام خلیج عربی نوشته شده بود خودداری کرد. ایران همچنین در مجامع و کنفرانس های بین المللی نیز در صورت بکار رفتن این اصطلاح ساختگی از سوی نمایندگان کشور های عرب عکس العمل نشان میداد. این کش و قوس ها همچنان ادامه پیدا کرد تا جائیکه سازمان ملل نیز طی دستور العملی که صادر نمود «خلیج فارس» را نام اصلی این دریای ایرانی دانست.

در سالهای اخیر در پی جنجال مؤسسه «نشنال جئو گرافیک» که یک مؤسسه جغرافیایی معتبر جهانی است و به جعل نام خلیج فارس در اطلس انتشار شده خود پرداخته بود؛ هر چند با پیگیری ها و اعتراض های صورت گرفته مسئله با عذر خواهی و تصحیح اطلس خاتمه یافت، اما روند تغییر هویت را وارد مرحله جدیدی نمود و این موضوع نشان داد که خلیج فارس بجز همسایگان عرب مدعیان دیگری نیز داشته و دارد از جمله انگلیس ها که نخستین عاملان کاشته شدن این تخم نفاق بودند و از قدیم در صدد آن بودند که خلیج فارس را تبدیل به یک دریای انگلیسی کنند. بعد ها در دهه ۱۹۸۰ آمریکاییها هم به پیروی از آنها از تبدیل خلیج فارس به خلیج آمریکایی سخن گفتند. از نظر آمریکاییها و اروپائیهها این منطقه «شریان حیاتی غرب» در منطقه «استراتژیک غربی» و «حوزه منافع ویژه» است، لذا اگر قادر باشند خلیج فارس را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت سلطه خود در می آورند.

با این تفاسیر همان طور که معمر قذافی رهبر لیبی در اجلاس سران کشورهای عرب در اواخر ماه مارس ۲۰۰۸ در سخنانی که خشم جهان عرب را برانگیخته بود، گفته بود: «خلیج را اگر خلیج هندی، پاکستانی، آمریکایی، ایرانی یا فارسی بگویند که البته نام درست و تاریخی آن همان خلیج فارس است مصداقیت دارد، اما خلیج عربی را هیچ مصداقیتی نمی بینم.»^۱ و همچنان که «ژان ژاک پرینی» نویسنده کتاب خلیج فارس اعتراف میکند: «ملل و طوایف بسیاری بر کرانه های خلیج فارس استیلا یافته و فرمانروایی کرده اند ولی روزگارشان سپری شده و منقرض شده اند. تنها قوم پارس است که با هوش و درایت خود همچنان پابر جا زیسته و میراث حاکمیت خود را تا کنون نگهداری کرده است.» می توان گفت که خلیج فارس یک نام کهن تاریخی است که از بدو تاریخ بر روی این خلیج گذارده شده است و تلاشهای حساب شده ای که برای تغییر این نام به عمل می آید یک سعی بیپوده بوده و جز ایجاد فتنه و اختلاف بین کشورهای منطقه ثمره و نتیجه دیگری ندارد.

مبحث دوم - سیر تحول تاریخی حضور ضابطین در خلیج فارس

در این تحقیق و در بررسی سیر تاریخی حضور ضابطین در خلیج فارس سعی شده ضمن ذکر مطالب اصلی، پاره ای اطلاعات مختصر نیز در زمینه تاریخ خلیج فارس ارائه گردد. فلذا موضوع را در سه برهه تاریخی ایران قبل از اسلام یا ایران باستان، ایران پس از اسلام تا دوران قاجار، و از قاجار تا دوران انقلاب و پس از آن را مورد بررسی قرار میدهیم.

گفتار اول - ضابطین خلیج فارس در ایران پیش از اسلام

نوشته اند که خلیج فارس جایگاه اولیه بشر بوده است و انسان های نخستین برای اولین بار در این دریا به قایقرانی پرداختند و سپس هنر قایق سازی را همراه قایق های خود به آبها و دریاهای دیگر بردند و رموز کار را به همه انسان های ساحل نشین آموختند.

رودالا نایب کنسول فرانسه در بوشهر، درباره بشر اولیه و قایق سواری او مینویسد:

« به طوری که مشهور است، تاریخ بشر از کرانه های خلیج فارس آغاز گشته است بنابر این خلیج فارس اولین دریایی است که انسان ها بر روی آن دریا نوردی کردند. در هر حال اولین دسته انسان

های دوران کهن در آبهای خلیج فارس کشتیرانی کرده اند. بقایای گورهای دیرین در بحرین و ایلام و کاوش های مقدماتی دیرین شناسان که پیرامون بوشهر به عمل آمده، ثابت می کند که در آنجا بیش از هزار سال پیش از میلاد مسیح تأسیسات کشتیرانی وجود داشته است.^۱

ایرانیان چه پیش از هخامنشیان و چه پس از آن سعی داشتند خلیج فارس را مکانی امن و آرام نگاه دارند. امنیت خلیج فارس بر ای بازرگانان حیاتی بود، حتی تجار اگر راهشان هم دور می شد از راه امن دریای پارس می آمدند تا کالاهایشان سالم به مقصد برسد و دست دزدان دریایی به اموالشان نرسد، خلیج فارس در همان زمان هم راه ارتباطی شرق به غرب بود، بزرگراه شاهی آن زمان از آسیای صغیر تا شوش ادامه پیدا می کرد و از شوش به خلیج فارس متصل می شد، این راه ۲۶۵۰ کیلومتر طول مسافتش بود.

داریوش پادشاه هخامنشی یکی از افسران خود، بنام «اسکیلاس» را مأمور کرد تا از خلیج فارس و اقیانوس هند تا دریای آفریقا را درنوردد و نقشه خلیج فارس را تهیه کند. همه گمان می کنند که داریوش این نقشه ها را برای لشکر کشی هایش می خواسته اما این نقشه ها بیشتر برای استفاده تجار و بازرگانان بود. این نقشه ها تهیه شد تا نیرویی که امروزه به عنوان «پلیس دریایی» ویا همان «پایگاه دریابانی» (گارد ساحلی) نام دارد در خلیج فارس مستقر گردد تا امنیت بازرگانان و تجار و مردم و سکنه بنادر و جزایردر این دریا تأمین شود. آنها یا در سواحل مستقر می شدند یا با کشتی ها و قایق مدتها در دریا می ماندند و در واقع آن چیزی که امروزه از آن به عنوان گشت زنی در محورهای دریایی نام برده میشود را به اجرا می گذاردند.^۲ بدین ترتیب می توان داریوش را مؤسس و پایه گذار پلیس دریایی به عنوان اصلی ترین ضابط در دریا و ضابط عام امروزی نامید. همچنین داریوش که مورخین او را بزرگترین فرمانروای سازنده ایران - بلکه شرق باستان - نامیده اند، «سازمان اداره امنیتی و قضایی ایران هخامنشی» را به وجود آورد که اغلب سازمانهای اداری ممالک غربی تا اواخر قرن نوزدهم از روی آن نمونه برداری کرده اند. تقسیم کشور به استانهایی چند و تعیین حکمرانانی به نام «خستر پاون» و گماردن مأموران نظامی بنام «کاراونس» بمنظور تأمین امنیت شهرها و راهها و تعیین نواحی نظامی و ساختن ارک دروازه ها و حصار شهرها از جمله ابتکارهای عملی او در اداره امور کشور بوده است. نظارت

۱.وادلا، ر. «خلیج فارس در عصر استعمار». ترجمه شفیع جوادی. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، چاپ اول ۱۳۶۴، ص ۱۰۶

۲. خدادادیان، اردشیر. نقل از سایت آفتاب. مورخه ۸۵/۱۱/۱۷

بر عملکرد فرماندهان ، نصب و تعیین داوران شاهی ، رسیدگی به شکایات مردم، انتخاب افرادی به عنوان خبر گیرنده و خبر دهنده ، به منظور دستگیری متخلفین از دیگر اقدامات وی در دوران فرمانروایی است.^۱ علاوه بر این بنیانگذاری نیروی دریایی ایران را نیز به داریوش اول نسبت می دهند. او که هم در خلیج فارس و هم در دریای مدیترانه و دریای سرخ ناوگان دریایی داشت به کمک نیروی دریایی خود از رود دانوب در اروپا گذشت و تا نزدیکی مجارستان پیش رفت . همچنین ناوگان ایران در آن روزگار شورش مهاجر نشینان «ایونی» که به تحریک یونانی ها طغیان کرده بودند سرکوب کرد. داریوش برای حفظ مستعمره های خود و توسعه قلمرو حکومت خود و تداوم سیاست دریایی و تسلط بر آنها ناگزیر از داشتن یک نیروی دریایی قوی و مجهز بود . به این جهت دستور توسعه و گسترش هر چه بیشتر نیروی دریایی را صادر کرد و خود همواره بر آن نظارت کرد و در تقویت افراد نیروی دریایی و افزایش کشتی ها همت گماشت.^۲

بعد از هخامنشیان و در زمان اسکندر کار «اسکیلاس» را «نیارکوس» یونانی انجام داد ، او از افسران اسکندر و در امور دریایی تبحر داشت و با ناوگانی که در اختیار داشت تا خلیج فارس آمد و به نیروهای اسکندر پیوست. نیارکوس در اوایل آبان برابر با دوم اکتبر سال ۳۲۶ ق.م مصادف با یازدهمین سال سلطنت اسکندر ، مسافرت خود را با ۳۲ فروند کشتی بزرگ و چندین فروند کشتی کوچک آذوقه (هر کشتی ۳۲ پاروزن) و حدود دو هزار نفر سرباز شروع کرد و پس از ۱۴۶ روز سفر پر ماجرا ، ناوگان او در رود کارون در اهواز لنگر انداخت.^۳

تنها نشانی که از آمدن و رفتن اسکندر و حکومت جانشینان وی در شرق باقی ماند ، شهرهایی بودند که «سازمان پولیس» داشتند ، این شهرها را اسکندر و شاهان سلوکی بنا کردند و یونانی نشین بودند . «سازمان پولیس» عبارت بود از هیئتی که از طرف صاحبان حق رأی برای اداره امور شهر

۱. رحیمی، حسن. «مقاله داریوش در ایران باستان ، مجله دادرسی»، تهران : انتشارات سازمان قضایی نیروهای مسلح ، شماره سوم ، زمستان

۱۳۶۸، ص ۲۷

۲. نوربخش ، حسین. «دریانوردی در ایران»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ اول ۱۳۸۲ ص ۹۰

۳. منبع پیشین ، ص ۴۵

انتخاب می شدند . تنها یونانی ها برای انتخاب اعضاء سازمان اداری و انتظامی حق رأی داشتند. اعضاء این هیئت کلیه امور شهر را اداره کرده و وظیفه حفاظت و حراست از شهر نیز بر عهده آنان بود.^۱ پس از استقرار حکومت اشکانیان از چگونگی ادامه حضور ناوگان دریایی مستقر در خلیج فارس اطلاع دقیقی در دست نیست اما نکته جالب توجه در زمان اشکانیان تأسیس نهادی شبیه اداره گمرک میباشد. در این دوران (سده سوم قبل از میلاد) سازمان منظم گمرکی وجود داشته و شعب آن در مرز ها از جمله در مرز های آبی ، آمار واردات را در دفاتر مخصوصی ثبت و ضبط می نمودند، شایان توجه است که در این دوره فقط برای کالاهای وارداتی مالیات وجود داشته که این نشان از حمایت حکومت وقت از محصولات داخلی بوده است.^۲ بدین ترتیب تاریخچه مأموران اداره گمرکات را می توان به دوران اشکانیان مربوط دانست.

پاره ای داده های تاریخی حکایت از بروز آشوب ها و نا امنی فراگیر در خلیج فارس در اواخر دوران زمامداری اشکانیان (قرن اول ب.م) دارد. چنان که از گفته پلاش مورخ یونانی بر می آید دزدی دریایی در این دوران در خلیج فارس بسیار رواج داشته و زمامداران آن عهد از دیر زمان برای رفع غائله آنها و ریشه کن کردن بنیادشان فعالیت می کردند.^۳

از چنین برخورد هایی که در درون «مجموعه» رخ می داد ، از دوره ساسانیان نمونه های بیشتری در دست است . از آن جمله یورش برخی قبایل سرکش عرب به سواحل خلیج فارس است که شاپور دوم مشهور به «ذوالاکتاف» با اعزام لشکر دولتی مهاجمان را به اطاعت در آورده است. پس از این واقعه نه تنها امنیت به این دریا بازگشت و اعراب تنبیه شدند بلکه مناذره که در حیره پادشاهی اعراب بادیه را بر عهده داشتند ، مرز داران سواد و سرزمین بحرین از دستبرد طوایف صحرا گرد بودند.^۴ از بین دیگر شاهان ساسانی که در تشکیل و تقویت نیروهای نظامی مستقر در خلیج فارس سعی فراوان نموده اند

۱. رحیمی، حسن. «مقاله داری در ایران باستان ، مجله دادرسی»، تهران : انتشارات سازمان قضایی نیرو های مسلح ، شماره سوم ، زمستان ۱۳۶۸، ص ۲۶

۲. نقل از سایت رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران.

۳. تکمیل همایون ، ناصر . «خلیج فارس»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ پنجم ۱۳۸۶، ص ۳۴

۱. منبع پیشین ، ص ۳۵

اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ م) و انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) را نام برده اند. تأسیس نیروی دریایی ساسانیان در زمان اردشیر بابکان صورت گرفته است، و انوشیروان نیز در تقویت نیروی دریایی ایران سعی فراوان نمود بطوریکه پهنه آبهای دریای سرخ، خلیج فارس، دریای مکران تا دریای چین در تسلط و تحت نفوذ دریا نوردان و بازرگانان ایرانی بوده و بویژه در عصر انوشیروان نیروی دریایی ایران سواحل عربستان و شرق آفریقا را درنوردید و یمن را فتح کرد و از جانب دیگر تا سیلان پیش رفت و آن جا را پایگاه ایرانیان قرار داد.^۱

در دوره ساسانیان در هر استان یک استاندار حکومت می کرد. استانها خود به شهرهای کوچکتری تقسیم می شدند که این شهرها را افرادی با عنوان «شهریک» اداره می کردند. در روستاها نیز «دیپیک»ها این وظیفه را بر عهده داشتند. مبارزه با اشرار، سخت گرفتن بر ستمگران، پاسبانی از مردم ضعیف، جلوگیری از تجاوز ستمگران و اشرار در شب و روز از وظایف «شهریکها» و «دیپیکها» بود. در این سیستم، شبگردانی برای پاسداری در شب و مأمورین تعقیب و کشف جرم خدمت می کردند. اینجا بود که سازمانی به وجود آمد که در برقراری نظم شهرها و راهها «شهریکها» و «دیپیکها» و دخالت مأمورین قضایی «شهر دازوها» در امور انتظامی، مأمورین انتظامی از ارتش جدا شدند.

گفتار دوم - ضابطین خلیج فارس در ایران پس از اسلام:

با فروپاشی نظام ساسانیان (سقوط مداین ۶۳۷ م) و پذیرش اسلام توسط ایرانیان (تصرف خوزستان ۶۴۰ م) در خلیج فارس نیز ناگزیر دیانت جدید پذیرفته شد. مرزبانان ایرانی در منطقه، اعم از نژاد ایرانی یا عربی اندک اندک به اسلام گرویدند و با وجود زد و خوردهایی میان شیوخ و رؤسای قبایل و حتی روی برتافتن بحرین از اسلام، جمعیت مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان رفته رفته رو به فزونی نهاد. البته این امر نیز هماهنگ با جامعه بود، چنان که اسلامی شدن ایران دو سه قرن به درازا کشید. در خلیج فارس نیز مردم به یکباره مسلمان نشدند و جنگ و گریزها بیش از یک قرن ادامه داشت، به طوریکه ایرج پسر کیقباد، پادشاه محلی لارستان - که خلیج فارس نیز در زیر

۱. نوربخش، حسین. «دریانوردی در ایران»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۹۵.

فرمانش بود در سال صدم هجری مسلمان شد و نام علاء الدین ایرج بر خود نهاد. البته باید یادآور شد که پس از مخالفت‌هایی که در بحرین علیه خلافت اسلامی بروز کرد، خوارج، و پس از آنها زنگیان (۲۵۵ ق.) و قرمطیان نهضت‌هایی بر ضد صاحبان قدرت سیاسی اقتصادی ظاهر ساختند و مدت ۲۰ سال (از ۳۱۷ ق. به بعد) حجر الاسود را از مکه به دیار خود منتقل ساختند.^۱

تشکیلات انتظامی در این دوران و پس از آن که همزمان با حکومت خلفای اموی و عباسی بود، «شرطه» نام داشت. با این تفاوت که در دوران امویان وظایف «شرطه» بیشتر سیاسی بود تا امنیتی و انتظامی، به این ترتیب که، در واقع وظیفه اصلی آنان یافتن مخالفان بود به حدی که رئیس شرطه وظیفه جاسوسی و مراقبت از حکام را نیز بر عهده داشت و نحوه انتخاب آنان در شهرهای بزرگ بر عهده خلیفه بود. اما پس از استقرار امویان «اداره شرطه» زیر نظر قاضی شهر قرار گرفت و امور سیاسی از وظایف شرطه خارج گردید، و شرطه همامور استقرار نظم در شهر و جلوگیری از تخلف و اجرای اوامر قضایان شدند. پس از آنکه اداره شرطه جزو دستگاه قضاوت شد، وظایف جدیدی به عهده روسای شرطه نهاده شد و در جرم‌های مشهود، گزارش شرطه برای قاضی کافی بود.

دیوان شرطه زیر نظر دیوان مظالم بود. برای آنکه قاضی دیوان مظالم دارای قدرت اجرایی باشد، از دیوان شرطه استفاده می‌کرد. دستگاه اداری شرطه به سه قسمت متمایز از هم تقسیم شده بود:

۱. شرطه روز: مأمورینی بودند که گروهی از آنان در محل‌های پر جمعیت و جرم خیز مثل باراندازها و بازار نگهبانی می‌دادند.
 ۲. شبگردان: وظیفه امنیت شهر را در شبها داشتند، این سازمان که همان سازمان اداری و امنیتی زمان ساسانیان بود، حتی پیش از تشکیل حکومت‌های ایرانی، نیز عیناً در آن حکومت‌ها مورد استفاده و اجرا قرار گرفت.
 ۳. زندانبانان: سومین گروه شرطه مأموریت زندانبانی داشت. اداره امور زندان‌ها جزو وظایف آنها و در عین حال محل درآمد شرطه محسوب می‌شد.
- نخستین دگرگونی‌های نظامی خلیج فارس در ایران پس از اسلام، با به قدرت رسیدن آل بویه آغاز شد. آل بویه که آنان را دیلمیان نیز نامیده‌اند از خاندانی ایرانی و فرزندان بویه دیلمی بودند، که از سال ۳۲۰ تا ۴۴۸ قمری در جنوب ایران و عراق حکومت می‌کردند.

۱. تکمیل همایون، ناصر. «خلیج فارس»، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۸۶، ص ۳۴

عبدالدوله دیلمی ، معروفترین امیر آل بویه ، نخستین پادشاهی بود که پس از توسعه اسلام به نیروی دریایی ایران جان تازه ای بخشید و برای به وجود آوردن یک نیروی دریایی بزرگ زحمت فراوانی را متحمل شد . ناوگان دریایی او توانست خلیج فارس را تا سواحل آفریقا تحت سلطه خود درآورد.^۱

اما پس از فرو ریختن حکومت آل بویه ، خلیج فارس و از جمله عمان و بحرین به تصرف سلجوقیان کرمان درآمد (۴۵۶-۵۳۶ ق.) با این حال امیران حاکم بر کیش با امیران حاکم بر هرمز سال ها در کشمکش بودند و گاهی به علت نبود قدرت واحد دریایی ، ایمنی خلیج فارس در معرض خطر قرار می گرفت، و دزدی دریایی رواج پیدا میکرد . تا اینکه با به قدرت رسیدن اتابکان فارس ، ابوبکر بن سعد ، به سال ۶۲۶ ق به قدرت امیران کیش پایان داد و بسیاری از مناطق آشوب زده خلیج فارس ، از جمله بحرین و قشم را آرام ساخت و جزیره هرمز را مرکز تجارت دریایی کرد . به گونه ای که این تحول تا آغاز دست اندازی اروپائیان بر دوام ماند.^۲

به سال ۹۲۱ ق. برابر با ۱۵۱۵ م. یعنی زمانی که توجه کانونهای سیاسی ایران به بخشهای شمالی کشور معطوف بود ، پرتغالیان جزیره هرمز را تصرف کردند. از آن پس رقابتهای استعماری میان اسپانیایی ها، انگلیسی ها ، هلندی ها ، و فرانسوی ها و به مرور، روس ها و آلمانی ها و همچنین سوئدی ها و ترک های عثمانی ، منطقه خلیج فارس را چند قرن پایگاه زد و خورد ها و معاهداتی کرد که در همه ماجراها ، مرجع تصمیم گیری سیاسی و نظامی استعمار بود. پس از آزاد سازی بندر عباس (گمبرون) و جزیره هرمز از چنگال پرتغالی ها به دست سردار بزرگ ایرانی امامقلی خان ، متأسفانه پس از چندی باز انگلیسی ها قبضه قدرت را در این منطقه به دست گرفتند، چنانکه سر آرنولد ویلسون نیز می نویسد: «پس از سقوط هرمز بنفوذ و اقتدار پرتغالیها در خلیج فارس لطمه شدید وارد آمد ولی برعکس دست انگلیسیها در تجارت آن صفحات باز تر گردید. ^۳» و همانطور که می دانیم باز شدن دست استعمار در تجارت که بهانه و حقه قدیمی استعمار پیر بوده یعنی، نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادی .

۱. نوربخش ، حسین. «دریانوردی در ایران»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۹۷

۲. تکمیل همایون ، ناصر . «خلیج فارس»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ پنجم ۱۳۸۶، ص ۳۹

۳. سر آرنولد ویلسون ، «خلیج فارس». ترجمه : محمد سعیدی ، تهران : شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۲۵

وضعیت تشکیلات پلیس در دوره صفویه با تغییرات نسبتاً عمده ای روبرو شد. در عصر صفویان مسئولیت حفظ نظم و امنیت در پایتخت با استانها، حتی گاهی در استانها و شهرستانها با هم متفاوت بود. در این دوره بطور خلاصه مأمورین انتظامی عبارت بودند از: «داروغه، میرشعب، کشیک چی، احداث و کلانتر».

پادشاهان صفویه، به خصوص شاه عباس، همواره در اندیشه تقویت نیروی دریایی ایران بودند و پس از آنان نادر شاه افشار، سر سلسله پادشاهان افشاریه، فکر ایجاد یک نیروی دریایی بزرگ را قوت بخشید.

نادر شاه دو ناو جنگی از نوع بریگاتین و دو ناو چهارصد تنی و چند ناو از انواع دیگر از انگلیسها خرید و در آبهای تحت سلطه ایران بکارگرفت. نادر شاه به کمک همین ناوگان توانست جزیره کیش و بحرین را از تسلط بیگانگان خارج سازد. از جمله دیگر اقدامات نادر در خلیج فارس ایجاد کارخانه کشتی سازی در بوشهر و کارخانه توپ ریزی در بندر عباس بوده است.^۱

پس از قتل نادر شاه و در اوایل حکومت کریم خان زند، کارگزاران استعماری دولت های انگلستان و هلند و در سال ۱۱۷۳ ق. کشور فرانسه در خلیج فارس و آب های ساحلی بندر عباس حضور یافتند و برای برقراری تجارت، مذاکره و اقداماتی کردند که در حیات کریم خان مخاطرات چشم گیری ایجاد نکرد اما پس از مرگ وی در ۱۱۹۳ ق.، دوران آشوب و هرج و مرج ایران و آشفتگی بی حد و حصر خلیج فارس آغاز شد

گفتار سوم - ضابطین خلیج فارس در دوره قاجار تا عصر حاضر

تاریخ شکل گیری پلیس به شکل امروزی و به اصطلاح مدرنش به دوران قاجار باز می گردد، از این رو پیش از پرداختن به مسایل اتفاق افتاده در خلیج فارس، ابتدا سیر شکل گیری نیروی انتظامی امروزی را در لابلای وقایع تاریخ بطور مختصر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در ایران تا پیش از سفر دوم ناصرالدین شاه قاجار به اروپا در سال ۱۲۹۵ ق. اثری از سازمانی به نام اداره پلیس یا نظمیه نبود و کلانتر تهران که امور انتظامی پایتخت را بر عهده داشت عده ای فراش به خدمت گرفته بود که وظایف انتظامی و امنیتی، احضار و جلب متهمین و مظنونین و بدهکاران و

۱. نوربخش، حسین. «دریانوردی در ایران»، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۹۸.

اهل فسق و فساد و زندانی کردن و حتی مجازات آنان را اجرا می کردند. واژه فراشان حکومتی که اغلب لباس سرخ هم می پوشیدند و کلاه تخم مرغی با نشان شیر و خورشید بر سر می گذاشتند مترادف با مأمور انتظامی بوده و در ولایات (شهرستان ها) و ایالات (استانها) نیز حتی پس از سال ۱۲۹۵ ه.ق. تا سالها این فراش باشی ها، وظایفی را که بعدها مأمورین انتظامی بر عهده گرفتند اجرا می کردند. همینطور قراول خانه ها که به ابتکار امیر کبیر تأسیس شده بود و بیشتر در نقاط مرزی و شهر های بزرگ مستقر بود وظیفه تأمین امنیت را بر عهده داشتند.^۱

در سفر دوم (۱۲۹۵ ه.ق.) عزم شاه جزم شد که پاره ای از اصلاحات جدید اروپایی و سازمانهای اداری و مملکتی را در کشور به اجرا در آورد. از این رو گروهی از صاحب منصبان اتریشی را به منظور تأسیس سازمان پلیس امروزی استخدام کرد، واز بین آنان «کنت دو مونت فورت» ایتالیایی که در وین خدمت می نمود مسئول تأسیس نظمیه به شیوه مدرن و اروپایی شد، وی که مدت ۱۵ سال ریاست «اداره جلیله پلیس» را بر عهده داشت، نظامنامه ای که از آن به «کتابچه قانونی کنت» نیز یاد میشود تنظیم کرد و به امضاء شاه رسانید و ضمن فرمانی به نایب السلطنه که حکمران تهران بود دستور اجرای آن را صادر نمود. کنت در طی واقعه «امتیاز توتون و تنباکو» از سمت خود عزل و به عنوان آجودان شاه منصوب شد. پس از این تا انقلاب مشروطه، اداره پلیس سیزده رئیس داشته (از جمله میرزا کریم خان مختار السلطنه، صدیق الدوله و اقا بالا خان سردارو..) که همگی زیر نفوذ شاه و نایب السلطنه بودند.

از سوی دیگر اما خلیج فارس کارزار رقابت های استعمار گران بود و روز به روز استعمار پیر با حيله ای جدید بخشی از آن را از سرزمین مادری جدا می کرد و با تعیین مرز بندی های جدید کم کم به شیوخ عرب سواحل جنوبی هویت مستقل می داد، و روزی به بهانه مقابله با دزدی دریایی و یاروزی دیگر به دستاویز مبارزه با برده فروشی، جای پای خود را محکم تر می ساخت، کوتاه سخن، انگلستان ملک الرقاب شد و با تأسیس شرکت هند شرقی بریتانیا و گسترش فعالیت های آن، توانست حل و فصل همه امور خلیج فارس را به بهانه های گوناگون در دست گیرد. البته در دوره ناصرالدین شاه وی که خطر از دست رفتن خلیج فارس را در واقعه محاصره هرات و تصرف بنادر جنوب توسط انگلیسی ها، حس کرده بود. تصمیم گرفت با خرید چند کشتی تا حدودی به این اوضاع آشفته سر و سامان دهد و بدین منظور با اطلاع دولت انگلیس، دو کشتی، به نامهای «پرسپولیس» با ظرفیت

۱. معتضد، خسرو. «یکصد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی»، جلد اول، ناشر: مرکز تحقیقات و پژوهشهای ناجا، چاپ اول ۱۳۸۳، ص ۳۴

۶۰۰ تنی، و « شوش» با ظرفیت ۳۶ تن از آلمان خرید. در دوره مظفرالدین شاه نیز یک کشتی کوچک دیگر خریداری شد، اما متأسفانه مانند تمام وقایع تلخ و ناراحت کننده دیگر در زمان حکومت شاهان قاجار همه این کشتی ها با بی توجهی مواجهه، و بتدریج در خور سلطانی در نزدیکی بوشهر در آب فرو رفته و غرق شدند.

یکسال پیش از وقوع انقلاب مشروطیت در ایران، و در سال ۱۹۰۸ م. / ۱۲۸۸ ش. با کشف نخستین چاه نفتی در مسجد سلیمان، چشم طمع بیگانگان به خلیج فارس در پی یافتن این گنج جدید بیشتر دوخته شد و در سالهای پر التهاب انقلاب مشروطیت و پس از آن دیگر کسی از دولتمردان توجهی به خلیج فارس نداشتند و این در حالی بود که استعمار با طمعی بیش از پیش، آغاز یغماگری خود در خلیج فارس را کلید زده بود. سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۴ ش. را باید بدترین دوران نیروی دریایی و نظامیان ایران در خلیج فارس دانست، بطوریکه در این سالها به دلیل بی توجهی های که بدان اشاره شد امنیت خلیج فارس بخصوص در سواحل شرقی از میان رفت و اختیار امور در دریا بدست دزدان دریایی و قاچاقچیان افتاد.

در هر حال با انقلاب مشروطیت دگرگونی هایی در ایران صورت گرفت و بخشی از این دگرگونی ها نیز در ارتباط با نیروهای انتظامی آن زمان بود. پس از فتح تهران یکی از سپاهیان محمد ولی خان تنکابنی، که در فتح تهران شرکت داشت، بنام « یغرم خان ارمنی» به ریاست نظمیّه منصوب شد که پس از چندی در درگیری های غرب کشور کشته شد. پس از این واقعه، « وستداهل» سوئدی استخدام شد تا سر و سامانی به اوضاع امنیتی کشور بدهد. در این دوران تشکیلات شهربانی ایران توسعه و تکمیل یافت و مستشاران سوئدی برای آموزش افسران اولویت قائل و آموزشگاههایی برای تربیت افراد پلیس تشکیل دادند.^۱

با به قدرت رسیدن رضا خان مستشاران سوئدی از کشور اخراج و ریاست نظمیّه که دیگر کم کم اصطلاح پلیس نیز برای آن رایج شده بود به یک ایرانی به نام سرهنگ محمدخان درگاهی که یک افسر ژاندارمری بود رسید.

۱. بختیاری، حسین و یوسف ترابی. «سیر تاریخی آموزش عالی پلیس در ایران تا ۱۳۷۰»، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، چاپ اول